

مجله شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند TALIM Ministries

شماره ۶۱، سال یازدهم، دسامبر ۲۰۱۰

مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین به‌منظور تشویق و تعلیم و تجهیز ایشان

فهرست مطالب

● «کلام حقیقت»

بخش دوم: بازگشت مسیح (تت استیوآرت)

● آزادی در مسیح

بخش پنجم: غلبه بر بی‌اعتمادی نسبت به خدا (ریک میلر/هندریک شانظریان)

● رهبر خدمتگزار

بخش دهم: جنبه تاریک رهبری (تت استیوآرت)

دفتر مجله:

Talim Ministries, Inc
P.O.Box 471736
Aurora, Colorado, 80047-1736
U.S.A.
e-mail: Tatstewart@Comcast.net
Website: www.Talimministries.com

سخنی از سردبیر

حال که سال دیگری به پایان خود نزدیک می‌شود، فرصت خوبی است تا دست به ارزیابی بزنیم. پولس رسول فرمود: «پس بسیار مراقب باشید که چگونه رفتار می‌کنید، رفتاری نه چون نادانان، بلکه چون دانایان. فرصت‌ها را غنیمت شمارید، زیرا روزهای بدی است.» (افسیان ۵: ۱۵). این امر این فرصت را به من می‌دهد تا بعضی از افکار خود را در باره آینده مجله شبان با شما در میان بگذارم. بیش از ده سال است که از طریق این مجله مقالات متنوعی را در اختیار شما قرار می‌دهیم تا شما را الهام و چالش دهیم. اکنون نیاز داریم از شما، خوانندگان عزیز بشنویم تا بدانیم چند نفر از شما از دریافت مجله شبان سود می‌برید و کدام روش برایتان مناسب است. گرچه همه شماره‌های مجله را می‌توانید بر روی دو وبسایت بخوانید (یعنی سایت‌های www.Talimministries.com و www.Farsinet.com)، اما ما هنوز حدود ۳۰۰ نسخه از آن را به ۳۰ کشور مختلف پست می‌کنیم.

بنابراین، از شما خوانندگان گرامی درخواست می‌کنم با ایمیل یا تلفن مرا مطلع سازید که آیا مجله شبان برایتان مفید است و اینکه آیا هنوز مایلید آن را برایتان پست کنم یا نه.

کشیش تت

«کلام حقیقت»

بخش دوم: بازگشت مسیح

از کشیش تَت استیوآرت

بازگشت مسیح را همه کسانی که به نوشته‌های عهدجدید ایمان دارند می‌پذیرند، اما وقتی به جزئیات این امر می‌رسیم که مسیح چگونه و در چه زمانی باز خواهد گشت، به تعداد زیادی از عقاید و تعالیم بر می‌خوریم. بسیاری از ما دیدگاه خاصی را در خصوص بازگشت مسیح در تعالیم کلیسای خود دریافت داشته‌ایم که آن را مورد بررسی نقادانه قرار نداده‌ایم. به‌هنگام آماده کردن این مقاله، به نمودارهای بسیاری مراجعه کردم که دیدگاه‌های مختلفی را در باره بازگشت مسیح نشان می‌دادند. به اصطلاحاتی بر خوردم نظیر «پیش‌هزاره»، «پس‌هزاره»، «ر بوده شدن کلیسا»، و «مصیبت عظیم». گاه به‌نظر می‌آمد که علمای الهی نقطه نظرهای خاص خود را بر عهدجدید تحمیل کرده‌اند، به‌جای اینکه اجازه دهند مطالب کتاب برای خودشان سخن گویند. اما می‌دانم که افرادی با ذهنی بس قوی‌تر از من با این آموزه‌ها کلنجار رفته‌اند و شکی ندارم که ایشان تعهدی عمیق به خداوند ما و به کلام خدا داشته‌اند. وقتی ذهنم در اثر تلاش برای درک نظریه‌های مختلفی که در طول سالیان متمادی در خصوص بازگشت مسیح شکل گرفته‌اند خسته شد، از خود پرسیدم که چه می‌شد اگر شخص به مطالب کلام خدا مراجعه می‌کرد و صرفاً به تعالیم بنیادین آن در زمینه این موضوع توجه می‌نمود. ذیلاً آنچه را که به آن دست یافتیم و معتقدیم قلب تعالیم کتاب‌مقدس را در زمینه بازگشت مسیح تشکیل می‌دهد، با شما در میان می‌گذارم.

بلافاصله پس از صعود عیسی به آسمان، فرشته‌ای به شاگردانش چنین اظهار داشت: «همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به‌سوی آسمان روانه دیدید.» (اعمال ۱: ۱۱). کتاب‌مقدس اصطلاحات گوناگونی برای اشاره به روز بازگشت خداوند به‌کار می‌برد: «روز خداوند» (اول تسالونیکیان ۵: ۲۲)، «آن روز» (متی ۲۴: ۳۶)، «روز خداوند عیسی» (اول قرنتیان ۵: ۵). تحقیقات من مرا به این نتیجه سوق داد که هفت عنصر کلیدی در کتاب‌مقدس در خصوص روز خداوند وجود دارد.

هفت عنصر کلیدی

عیسی در زمانی غیر منتظره باز خواهد گشت

عیسی خودش فرمود: «پس بیدار باشید، زیرا که نمی‌دانید در کدام ساعت خداوند شما می‌آید... لهنذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می‌آید.» (متی ۲۴: ۴۲-۴۴). گفته شده که نشانه‌هایی برای نزدیک شدن آن روز هست و شرایطی تعیین شده که کلیسا باید پیش از بازگشت مسیح به‌انجام برساند. یکی از این شرایط این است که انجیل باید موعظه شود. «به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد

شد... آنگاه انتها خواهد رسید.» (متی ۲۴:۱۴). این فرمایشهای عیسی باید تمام کسانی را که دست به پیش‌بینی می‌زنند و برای بازگشت مسیح تاریخ تعیین می‌کنند، هشیار سازد.

عیسی شخصاً باز خواهد گشت

پولس در اول تسالونیکیان ۴:۱۶ می‌فرماید: «خود خداوند... از آسمان نازل خواهد شد.» او لشکری از فرشتگان به همراه خواهد آورد (متی ۲۴:۳۰-۳۱). یوحنا رسول نیز می‌نویسد: «لکن می‌دانیم که چون او ظاهر شود مانند او خواهیم بود، زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید.» (اول یوحنا ۳:۲). یوحنا سپس این کاربرد شبانی را ارائه می‌دهد: «هر کس که این امید را بر وی دارد، خود را پاک می‌سازد.» (آیه ۳). پس روشن به نظر می‌رسد که قوی‌ترین انگیزه ما برای برخورداری از زندگی مقدس همانا بازگشت غیر منتظره عیسی است، یعنی آن زمان که او را در رو برو ببینیم و حساب زندگی خود را پس بدهیم.

بازگشت عیسی برای همه قابل دیدن و شنیدن خواهد بود

«هر چشمی او را خواهد دید.» (مکاشفه ۱:۷). او با صدای رئیس فرشتگان و صور خدا خواهد آمد (اول تسالونیکیان ۴:۱۶). این قطعاً همان چیزی است که پولس به آن باور داشت، زیرا می‌فرماید: «تا به نام عیسی هر زانویی خم شود... و هر زبانی اعتراف کند که عیسی مسیح خداوند است.» (فیلیپیان ۲:۱۰-۱۱). این بهیقین روز شادی برای نجات‌یافتگان خواهد بود، اما روز داوری برای گمشدگان، زیرا ظهور مسیح در گذشته همراه با فیض و رحمت بود، اما در آن روز، برای داوری زندگان و مردگان خواهد آمد.

گرد آوردن قوم خود

وقتی عیسی باز گردد، قوم خود را، چه زنده و چه مرده، گرد خواهد آورد. «فرشتگان خود را با صور بلندآواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای اربعه، از کران تا به کران، فراهم خواهند آورد.» (متی ۲۴:۳۱). پولس نیز می‌فرماید: «چنانکه در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت. لیکن هر کس به رتبه خود؛ مسیح نوبر است و بعد آنانی که در وقت آمدن او، از آن مسیح می‌باشند.» (اول قرنتیان ۱۵:۲۲-۲۳).

داوری جهان

عیسی فرمود: «جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند، به‌قسمی که شبان میشها را از بزها جدا می‌کند.» (متی ۲۵:۳۱-۳۲). پولس توضیح بیشتری داده، در مورد بازگشت مسیح می‌فرماید: «آنگاه آن بی‌دین ظاهر خواهد شد که عیسی‌خداوند او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و

به تجلی ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت.» (دوم تسالونیکیان ۲:۸). حضور عیسی شکی باقی نخواهد گذاشت که او کیست و آنگاه شیطان و همکارانش نابود خواهند شد.

ورود قوم خدا به حضور او

او مردگان را بر خواهد خیزانید و آنانی را که زنده‌اند در بازگشت خویش تحیت خواهد گفت (اول تسالونیکیان ۴:۱۶-۱۸). «و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود.» مرکز امید مسیحی ما این است که وقتی بمیریم یا وقتی مسیح باز گردد، ما با او خواهیم بود. توجه بر آسمان نیست، بلکه بر حضور شگفت‌انگیز خدا است. عیسی این نکته را در بخش زیبایی بیان فرموده است: «و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می‌آیم و شما را بر داشته، با خود خواهم برد تا جایی که من می‌باشم، شما نیز باشید.» (یوحنا ۱۴:۳). جلال آسمان در این است که با خداوند خواهیم بود.

بدن‌های جدید

او کسانی را که در خداوند خوابیده‌اند بر خواهد خیزانید و به تمام خاصان خویش بدن‌هایی جدید خواهد داد. این بدن‌ها برای حیاتی جدید در خلقتی جدید مناسب خواهد بود (اول قرنتیان ۱۵:۴۳-۴۵). آنها شبیه آدم دوم خواهند بود: «چنانکه صورت خاکی را گرفتیم، صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت.» (۱۵:۴۹). پطرس رسول نیز رویدادهایی را توصیف می‌کند که در روز خداوند رخ خواهند داد: «آسمانها به صدای عظیم زایل خواهند شد و عناصر سوخته شده، از هم خواهد پاشید و زمین و کارهایی که در آن است سوخته خواهد شد.» (دوم پطرس ۳:۱۰)؛ سپس می‌فرماید: «ولی به‌حسب وعده او، منتظر آسمانهای جدید و زمین جدید هستیم که در آنها عدالت ساکن خواهد بود.» (دوم پطرس ۳:۱۳). یوحنا نیز این مکاشفه را دریافت داشت: «و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چونکه آسمان اول و زمین اول در گذشت.» (مکاشفه ۲۱:۱). یوحنا شهر مقدسی را می‌بیند که از آسمان نازل می‌شود و می‌گوید که معنی آن این است که خدا با انسان ساکن خواهد شد: «اینک خیمه خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود.» (مکاشفه ۲۱:۳).

نتیجه

۱- به‌نظر من، علت وجود این همه تفسیرهای مختلف در باره بازگشت مسیح، به‌خاطر رویکردهای مختلف در باره علم تفسیر کتاب مقدس است. برای مثال، آنانی که دیدگاه پیش‌هزاره‌ای دارند (یعنی اعتقاد به اینکه مسیح پیش از سلطنت هزارساله باز خواهد گشت)، بیشتر تمایل دارند که کتاب مکاشفه را به‌صورت لغوی بخوانند و مطالب آن را این‌گونه برداشت کنند که به‌لحاظ زمانی به‌دنبال یکدیگر اتفاق می‌افتند. به عقیده من، این کار ماهیت تکرارشونده و چرخه‌ای کتاب مکاشفه را نادیده می‌گیرد و از یاد می‌برد که این کتاب

اثری است به سبک مکاشفه‌ای (نمادین). لذا این عده نتیجه می‌گیرند که «ربودگی» خواهد بود و مسیح دو بار باز خواهد گشت و دو داوری وجود خواهد داشت.

۲- مشکلی که من با تعلیم مربوط به «ربودگی» دارم این است که تا پیش از سال ۱۸۲۷، چنین تعلیمی در کلیسا وجود نداشت. در این سال، یک واعظ آمریکایی به نام جان داربی این نظر را مطرح کرد که مسیح در نهان باز خواهد گشت تا ایمانداران را از یک دوره عظیم شرارت که آن را «مصیبت عظیم» نامید، رهایی بخشد.

۳- آنانی که طرفدار عقیده «ناهاره‌ای» هستند، کتاب مکاشفه را کلاً اثری نمادین می‌دانند و معتقدند که در این کتاب صرفاً تعالیم عهدجدید در باره بازگشت مسیح تکرار شده و این کتاب نکته جدیدی به آنها نمی‌افزاید. طبق این عقیده، مسیح تنها یک بار باز می‌گردد که آن نیز در فصل نوزدهم مکاشفه ذکر شده است.

۴- پیروان نظریه «پس‌هزاره‌ای» معتقدند که مسیح زمانی باز خواهد گشت که جهان در اثر تعلیم و موعظه انجیل مسیحی شده باشد. فرض بر این است که موعظه انجیل شرایط اجتماعی و اخلاقی را تغییر خواهد داد و در انتظار بازگشت مسیح، دگرگونی‌ای تدریجی پدید خواهد آمد. این نظریه تعالیم کتاب مقدس را که می‌گوید در زمان‌های آخر پریشانی و ارتداد خواهد بود نادیده می‌گیرد (متی ۲۴: ۳-۱۴). همچنین این حقیقت را نادیده می‌گیرد که کتاب مقدس هرگز وعده نداده که همه نجات خواهند یافت، بلکه تنها اشاره می‌کند نمایندگانی از هر زبان و ملتی در پیشگاه خدا حضور خواهند داشت.

اعتقاد شما در باره بازگشت مسیح هر چه می‌خواهد باشد، حیاتی است که بدانید چرا به آن اعتقاد دارید و این اعتقاد چه اثری بر روی زندگی مسیحی شما می‌گذارد.

آزادی در مسیح

نوشته ریک میلر

ترجمه و تلخیص: کشیش هندریک شانظریان

بخش پنجم: غلبه بر بی‌اعتمادی نسبت به خدا

این مقاله خلاصه‌ای است از پنجمین درس از سری دروس آزادی در مسیح که توسط ریک میلر نوشته شده است. در این مقاله به موضوع درد و خشمی که ممکن است نسبت به خدا در درون ما رشد کرده باشد پرداخته شده است. با استفاده از کلام خدا به واقعیت درد در زندگی و واقعیت‌هایی در باره خدا اشاره شده است. این درس می‌تواند برای تک تک ما و نیز برای شاگردان ما بسیار مفید باشد. بنابراین مطالعه آن را به تمامی همکاران در مسیح پیشنهاد می‌کنیم.

آیا زندگی بدون رنج ممکن است؟

گاهی اوقات برخی از واعظین مسیحی «انجیل» را طوری موعظه می‌کنند که اینطور به نظر می‌آید که: «اگر به مسیح ایمان آورید و با او زندگی کنید، به تمام چیزهای خوبی که در زندگی آرزویش را داشتید می‌رسید، و از بد روزگار و سختی‌های زندگی در امان خواهید بود.» عموماً اساس چنین نگرشی این است که عمل نجات‌بخش عیسی مسیح بر روی صلیب برای ما سلامتی و خوشبختی نیز به همراه می‌آورد. و نتیجه‌ای که گرفته می‌شود این است که اگر زندگی شما اکنون دارای این ویژگی‌ها نیست، زندگی در ایمان را خوب درک نکرده‌اید و مشکلی در ایمان شما وجود دارد.

این پیام بسیار متقاعدکننده به نظر می‌رسد، مخصوصاً اگر واعظی خوش‌قیافه، سالم، سخنور، پرانرژی و شیک‌پوش در حضور هزاران نفر و در کلیسایی بسیار بزرگ و مجلل آن را موعظه کند. لاقلاً می‌توان گفت که این موضوع در مورد خود او درست از آب در آمده است! و البته چنین پیامی برای کسی که به زندگی خوب دیگران حسادت می‌کند یا از بخت بد خود ناله می‌کند، پیامی بسیار خوب به نظر خواهد رسید.

با وجود این، برای این که چیزی درست باشد، آن امر نباید فقط به قشر ثروتمند حومه‌نشین آمریکایی ارتباط پیدا کند، بلکه باید در مورد ساکنان محلات کثیف و فقیرنشین هند نیز صادق باشد. آن نه تنها باید برای مسیحیان سفیدپوست پشت میز نشین این مملکت (آمریکا) درست باشد، بلکه باید به شکلی واقعی برای زندگی روستاییان جنگ‌زده خاورمیانه یا آفریقا نیز صادق باشد.

به نظر من، مشکل اساسی که اجازه می‌دهد چنین تعالیم تحریف‌شده‌ای اشاعه یابد، از این واقعیت تلخ نشأت می‌گیرد که ما در آمریکا با درد و رنج‌آشنایی چندانی نداریم و خودمان را مستحق می‌دانیم که سالم و

ثروتمند باشیم و زندگی عاری از درد و رنج داشته باشیم. وقتی بدن‌های ما صدمه می‌بینند صدها دارو و قرص متفاوت وجود دارد که مصرف کنیم و از درد خلاصی یابیم. وقتی روح و روان ما آسیب می‌بیند، به همین ترتیب عمل می‌کنیم. ولی در واقع از درد خلاص نمی‌شویم... بلکه فقط کمی احساس آن را کاهش می‌دهیم. امیدوارم سوء تفاهم نشود. اگر وسیله درمانی درست و مناسبی برای آرام کردن درد و رنج وجود دارد، با آن کاملاً موافق هستیم. ولی تلاش برای از بین بردن علایم بیماری و درد، بدون پرداختن به ریشه اصلی و علت آن نه تنها عاقلانه نخواهد بود، بلکه برای سلامت ما نیز بسیار ضرر خواهد داشت.

واقعیت درد و رنج در این زندگی

این موضوع به جستجوی ما برای «آزادی در مسیح» چه ارتباطی دارد؟ وقتی در باره موضوع آزادی بحث می‌کنیم به آسانی ممکن است توجه ما به موعظه «انجیل کامیابی» جلب شود و قربانی این دروغ شویم که: «مسیحی شدن به معنی آزاد شدن از درد است.» در واقع هیچ پیام دیگری تا این اندازه از حقیقت به دور نخواهد بود. حتی یک نگاه مختصر به کلام خدا آشکار خواهد کرد که تنها در آن سوی مرگ به چنین آزادی می‌رسیم، و نه قبل از آن. ولی آن چیزی که در مسیح می‌توانیم تجربه کنیم عبارتست از آزادی در حین درد و رنج، که موضوع بحث این مقاله است. فکر می‌کنم که اکنون زمان مناسبی برای دعا باشد.

پدر آسمانی عزیز، عیسی با غم و اندوه آشنایی کامل داشت. زندگی او به طرزی معجزه‌آسا مصون و محفوظ از درد نبود. در واقع، کلامت می‌گوید او اطاعت را با کشیدن زحمت‌های بسیار آموخت. چگونه می‌توانیم فکر کنیم که زندگی ما متفاوت خواهد بود؟ عیسی از نظر مادی چیز زیادی نداشت. این امر در مورد پولس رسول نیز صادق است که انواع مختلف رنج و زحمت و شکنجه را بر بدن خود تحمل کرد. اگر درد امری بدیهی است و رنج و زحمت اجتناب‌ناپذیر، چگونه می‌توانیم در چنین دنیایی آزادی را تجربه کنیم؟ در نام مسیح خواهش می‌کنم که چشمان مرا بگشایی، آمین.

قبل از هر گونه تلاش و جستجویی برای یافتن پاسخ خدا به این سؤال که در دعا مطرح کردیم، مناسب خواهد بود که یک بار دیگر تعریفی را که برای آزادی در مسیح ارائه کردیم، مرور کنیم:

«آزادی در مسیح عبارتست از داشتن اشتیاق فراوان و قدرت لازم برای زیستن با خدا، غلبه بر قوت گناه، غلبه بر تاثیرات منفی فرهنگ حاکم و دروغهای شیطان. این آزادی از طریق توبه، تجدید افکار بوسیله حقیقت و در قدرت روح مقدس عیسی مسیح میسر می‌گردد. این آزادی نتیجه رابطه‌ای استوار و مبنی بر محبت و اعتماد است که به عنوان فرزندان با خدای فیض داریم.»

چرا خدا مداخله نمی‌کند؟

در این مرحله مفید خواهد بود که به عنوان مقدمه عنوان کنیم، که علیرغم اتفاقاتی که ممکن است در زندگی شما رخ دهد، در این دنیا مطلقاً هیچ چیزی یا هیچ کسی وجود ندارد که در نهایت بتواند شما را از

تجربه آزادی منع کند. این واقعیتی امیدبخش است. ولی موضوعی بسیار مهم وجود دارد که قبل از تجربه چنین پیروزی باید با آن رویارو شویم.

موضوع عمده‌ای که لازم است به آن بپردازیم به خود خدا ارتباط دارد. در مواقعی که درد و رنج را تجربه می‌کنیم خدا چه نقشی در زندگی ما دارد؟ لحظه‌ای صرف کنید و به این پرسش پاسخ دهید. سعی کنید کاملاً صادقانه افکار و احساسات خود را در باره این موضوع بیان کنید.

قرن‌های متمادی الهی‌دانان با سؤالاتی از این قبیل سروکله زده‌اند: آیا خدا نیکوست؟ اگر چنین است، چرا هیچ مداخله‌ای نمی‌کند تا به درد و رنج پایان دهد؟ آیا علتش این است که در واقع خدا نمی‌تواند کاری در این خصوص انجام دهد؟ آیا خدا نیکوست ولی قدرت لازم را ندارد؟ یا اینکه، او قادر است به درد و رنج پایان دهد ولی نمی‌خواهد این کار را بکند؟ آیا از تماشای رنج و زحمت ما لذت می‌برد؟

شما خودتان هم با چنین سؤالاتی دست و پنجه نرم کرده‌اید. شاید شما در دوره‌ای از زندگی‌تان به طرز فجیعی مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اید و در این دوران به سوی خدا فریاد برآورده‌اید تا شما را از وضع موجود نجات دهد، و احساس کرده‌اید که جز سکوت پاسخ دیگری نیست. شاید هم اکنون روزهای سختی را می‌گذرانید. وضع مادی بسیار وخیم است و بدهی‌های فراوان مانند طوفانی مرگبار زندگی شما را تهدید می‌کند. روابط در حال انفجار است. سلامت جسمی‌تان در وضع خطرناکی است، یا این که بیماری مزمن باعث فرسایش شما شده و شادی و امید را از شما گرفته است. شاید خودتان چنین تجربه تلخی دارید یا یکی از عزیزانتان در چنین وضعیتی است... که غالب اوقات تحمل آن مشکل‌تر است. شاید شاهد این هستید که به علت حسادت، کینه و تلخی دیگران، شغل، شهرت و آبروی شما مرتباً در معرض خطر تضعیف و نابودی قرار دارد. شاید به علت ترسهای متعدد احساس خطر می‌کنید یا اینکه در حال سقوط در سیاهچال افسردگی هستید و در شگفت هستید که پس خدا کجاست؟

شما تنها نیستید. بسیاری از نویسندگان کتاب‌مقدس همین احساس را داشتند. موارد زیر مثال‌هایی هستند در مورد اینکه آنان چه احساسی داشتند و سرانجام چه شد (چگونه بر آن فائق آمدند)؟

روز و شب گریه می‌کنم، و اشکهایم غذای من است؛ تمام روز دشمنان از من می‌پرسند: «پس خدای تو کجاست؟» چون به گذشته فکر می‌کنم دلم می‌گیرد؛ به یاد می‌آورم چگونه در روزهای عید، جماعت بزرگی را سرودخوانان و حمدگویان به خانه خدا هدایت می‌کردم! ای جان من، چرا محزون و افسرده شده‌ای؟ بر خداوند امید داشته باش! او را دوباره ستایش کن، زیرا او خدا و نجات دهنده توست! ای خدا، در این دیار غربت دلم گرفته است... تو را به یاد می‌آورم. (مزمور ۴۲: ۳-۷)

به سبب نابودی قوم، روز و شب سیل اشک از چشمانم جاری است. آنقدر خواهم گریست تا خداوند از آسمان نظر کند و پاسخ دهد! هنگامی که می‌بینم چه بر سر دختران جوان اورشلیم آمده است، دلم از اندوه پر می‌شود. کسانی که هرگز آزارشان نداده بودم، دشمن من شدند و مرا همچون پرنده‌ای به دام انداختند. آنها مرا در چاه افکندند و سر چاه را با سنگ پوشانند. آب از سرم گذشت، و فکر کردم مرگم حتمی است. اما ای

خداوند، وقتی از عمق چاه نام تو را خواندم صدایم را شنیدی و به ناله‌هایم توجه کردی. آری هنگامی که تو را خواندم به کمک آمدی و گفتی: «نترس!» (مراثی ۳: ۴۸-۵۷)

گریه و زاری. غم و اندوه پایان‌ناپذیر. تحقیر. ناامیدی. افسردگی. خطر. وحشت!
آرامش. تسلی. تسکین. کمک!

آیا تا به حال با این سادگی و خالصانه احساسات و نیازهای خود را به خدا بیان کرده‌اید؟ زمانی را به یاد آورید که در ناامیدی بسوی خدا فریاد برآورده‌اید (شاید همین امروز!). آیا مانند مثال مزمورسرا که در بالا ذکر شد، کمک و حضور او را احساس کردید؟ می‌توانید وضع خود در این موقعیت خاص را با ایماندار بالغی در میان بگذارید تا با شما و برای شما دعا کند و در کنار شما باشد و در صورت نیاز، حقیقت کلام خدا را برای شما یادآوری کند.

ضرورت درد و رنج

عیسی فرمود که در این دنیا با مشکلات و زحمات فراوان روبرو خواهیم شد (یوحنا ۱۶: ۳۳). اگر عیسی چنین می‌گوید روی حرف او حساب کنید! ولی او همچنین گفت که آرامش خاص خود را به ما خواهد داد... نه آرامش این جهان را که تنها در شرایط و موقعیت‌های خوب مهیاست... بلکه آرامشی که حتی وقتی شیطان با تمام قوای خود و پشت سر هم حمله‌ور می‌شود، بر ما حاکم است. حتی در شرایطی که همه اطرافیان ما ممکن است غرق در اضطراب و ترس باشند، می‌توانیم چنین آرامشی را تجربه کنیم (یوحنا ۱۴: ۲۷؛ فیلیپیان ۴: ۷و۶).

بنابراین وقتی در اندوه و پریشانی به سوی خدا فریاد بر می‌آوریم چه انتظاری می‌توانیم از خدا داشته باشیم؟ در بعضی مواقع خدا به طور معجزه‌آسایی شفا می‌دهد یا شرایط را تغییر می‌دهد به ترتیبی که نام او جلال یابد. باید دعا کنیم که خدا به این نحو عمل کند و ایمان داشته باشیم که او می‌تواند معجزه کند و در غالب موارد در پاسخ به دعاهایی که با ایمان می‌کنیم این کار را انجام خواهد داد.

ولی در بسیاری از موارد به نظر می‌آید که خدا نقشه دیگری دارد. پولس رسول به احتمال زیاد دچار یک بیماری یا ضعف عمده جسمانی بود، که بر اثر حمله شریر و با اجازه خدا به این وضع دچار شده بود. او سه بار دعا کرد که این ضعف یا بیماری او را ترک کند. ولی خدا، در حکمت و رحمت خود چنین پسندید که با شفا دعای پولس را پاسخ ندهد، زیرا خدا می‌دانست که آن درد و مصیبت برای سلامت روحانی پولس ضروری است. این رازی است که باید به خدا بسپاریم: گاهی خدا شایسته می‌داند بعضی از لذتهای زودگذر، سلامت یا حتی دارایی و رفاه ما را قربانی کند تا در قلب ما کاری بس عمیق‌تر و مهم‌تر انجام دهد.

داستان پولس را می‌توانید از زبان خودش در دوم قرن‌تیمان ۱۲: ۷-۱۰ بخوانید.

کاملاً آشکار است که همیشه نمی‌توانیم به این امید دلخوش باشیم که روزها و شرایط سخت به پایان برسند... لااقل تا قبل از مرگ. ولی او می‌تواند آرامشی را که نتیجه حضور و نزدیکی اوست، به ما عطا کند.

و او به ما قوت خواهد بخشید و ما را در مقابل دشمن محافظت خواهد کرد، دشمنی که به منظور تاراج ما انواع مشکلات و سختیها را برای ما ایجاد می‌کند.

اما خداوند وفادار است و شما را تقویت خواهد نمود و در برابر هر نوع حمله شیطان، از شما محافظت خواهد کرد. (دوم تسالونیکیان ۳: ۳)

در زیر آیات دیگری برای تشویق شما ذکر شده است که شما را یاری خواهد کرد تا درک کنید که خدا همیشه با شماست و حضور او شما را تقویت و حفاظت می‌کند، پس لازم نیست که دردهای زندگی بیش از حد شما را تحت تأثیر قرار دهند، هر قدر هم که شرایط سخت باشد.

نترس، چون من با تو هستم، نگران نشو، زیرا من خدای تو هستم. من تو را تقویت خواهم کرد و یاری خواهم داد و تو را حمایت کرده، نجات خواهم بخشید. (اشعیا ۴۱: ۱۰)

خوشابحال کسی که بر خداوند توکل دارد و تمام امید و اعتمادش بر اوست! او مانند درختی خواهد بود که در کنار رودخانه‌ای است و ریشه‌هایش از هر طرف به آب می‌رسد، درختی که نه از سرما می‌ترسد و نه از خشکسالی! برگش شاداب می‌ماند و از میوه آوردن باز نمی‌ایستد. (ارمیا ۱۷: ۷ و ۸)

خود را بیازمایید

در جدول زیر به خودتان نمره دهید که در مواقعی که شرایط زندگی چندان مساعد نیست چه عکس‌العملی از خود نشان می‌دهید. برای مثال آیا به یاد می‌آورید که او حاضر است و همین به شما کمک می‌کند که احساس آزادی کنید، یا ترس شما را فرا می‌گیرد و مضطرب می‌شوید؟ صادقانه خود را ارزیابی کنید و در هر مورد با علامت (x) مشخص کنید که در مواقع فشار معمولاً چه احساسی دارید و در کجای جدول قرار می‌گیرید.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

ایمان	_____	ترس
آرامش	_____	اضطراب
اطمینان	_____	شک
امید	_____	ناامیدی
خوشی	_____	افسردگی
اعتماد به خدا	_____	خشم نسبت به خدا
سکوت همراه با دعا	_____	احساس بیچارگی همراه با خشم
کفایت و رضایت	_____	تلاش در پیش بردن مقاصد خود

برای اینکه بتوانید در درد و رنج، آزادی را تجربه کنید، باید با تمام وجود از خدا قدرت، امنیت و آرامش بطلبید. آیا می‌توانید این کار را بکنید؟ اگر هر گونه خشم یا رنجشی نسبت به خدا دارید آن را در غالب جملاتی در زیر بنویسید. خشم نسبت به خدا باعث ایجاد بدبینی و عدم اطمینان نسبت به او می‌شود و باید به نوعی آن را حل کرد. اگر خشم نسبت به خدا در عمق وجود شما رخنه کرده است، اکنون فرصت مناسبی است که آن را بروز دهید تا بتوانید آزاد شوید.

پس از چند لحظه فرصت خواهید داشت در باره هر گونه خشمی که ممکن است نسبت به خدا داشته باشید، دعا کنید. ولی قبل از آن بهتر است به چند آیه مهم دیگر از کتاب مقدس اشاره کنم و توضیحات مفیدی بدهم.

خداوند را مادامی که یافت می‌شود بطلبید، و مادامی که نزدیک است او را بخوانید. ای گناهکاران، از کارها و فکرهای فاسد خود دست بکشید و بسوی خداوند بازگشت کنید، زیرا او بسیار بخشنده است و بر شما رحم خواهد کرد. خداوند می‌فرماید: «فکرهای من فکرهای شما نیست، و راه‌های من راه‌های شما نیست. به همان اندازه که آسمان بلندتر از زمین است، راههای من نیز از راههای شما و فکرهای من از فکرهای شما بلندتر و برتر است». (اشعیا ۵۵: ۶-۹)

ما می‌دانیم همه چیز برای خیریت آنانی که خدا را دوست دارند و به حسب اراده او خوانده شده‌اند، با هم در کارند. زیرا خدا آنانی را که از ابتدا می‌شناخت از پیش برگزید تا به شکل پسر او در آیند و تا پسر، نخستین برادر در میان ایمانداران بسیار باشد. او کسانی را که قبلاً برگزیده بود به سوی خود خوانده است و خواندمشگان را کاملاً نیک محسوب کرد و نیکان را نیز جاه و جلال بخشید. (رومیان ۸: ۲۸-۳۲)

حقایق مهم

از این آیات می‌توان حقایق مشخص بسیار مهمی را استنتاج کرد:

- خدا رحیم و بخشنده است و هر گاه گناه را ترک کنیم و به سوی او بازگشت کنیم او همیشه آماده است تا ما را ببخشد.
- باید مادامی که او یافت می‌شود، یعنی هم اکنون به سوی او بازگشت کنیم.
- مهم نیست که ما چقدر خودمان را باهوش می‌دانیم و مهم نیست که چقدر خیال می‌کنیم می‌دانیم خدا در زندگی ما چه باید بکند، حقیقت این است که ما نمی‌دانیم. ولی خدا می‌داند.
- راهها و فکرهای خدا بسیار بسیار بالاتر از راهها و فکرهای ماست. بنابراین وقتی در درک چیزهایی که انجام می‌دهد مشکل داریم، اصلاً نباید تعجب کنیم. این امر مستلزم فروتنی از جانب ماست... و ایمان به خدایی که کاملاً نیکوست.
- گر چه اتفاقات بد برای ما رخ می‌دهد، خدا در قوت عظیم خود آنها را برای خیریت ما به‌کار می‌برد، و بوسیله دردهای ما لبه‌های تیز ما را می‌تراشد و ما را بیشتر و بیشتر شبیه مسیح می‌سازد.

- نقشه خدا برای ما بسیار عالی است که ما را از پیش توسط مسیح جلال داده است؛ هر چند در حال حاضر ممکن است تجربیات سختی را تحمل کنیم، روزی در آسمان آن جلال را خواهیم دید.
 - خدا با ما و برای ماست؛ او خدای توست، اگر فرزند او هستی!
 - اگر خدا با ماست، نهایتاً مهم نیست چه کسی در مقابل ماست، چون خدا همه چیز را برای ما ترک کرده است! محبت او برای ما بسیار عظیم است!
- در شماره آینده در حالی که مطالعه خود در باره تجربه آزادی علیرغم تحمل درد و رنج را ادامه می‌دهیم، در این زمینه بحث خواهیم کرد که چگونه خشم خود نسبت به دیگران و نسبت به خودمان را برطرف کنیم. ولی اکنون سعی داریم مانع اول یعنی «خشم نسبت به خدا» را پشت سر بگذاریم.

رهایی از خشم نسبت به خدا

برای تجربه آزادی باید با فروتنی تصمیمی بگیریم. نمی‌توانیم به علت خشمی که نسبت به خدا داریم، خشمی که در درون ما در حال جوشیدن است، خدا را در بن بست قرار دهیم. خدا نمی‌تواند هیچ اشتباهی مرتکب شود. او در مورد شما در اشتباه نیست و هرگز خطایی نسبت به شما مرتکب نخواهد شد. تا کی می‌خواهید روش کهنه و خشن تبریئه خود را در پیش گرفته، خود را عادل جلوه دهید و خدا را سرزنش کنید، و او را بی انصاف، بی توجه یا خدایی که هیچ مداخله‌ای نمی‌کند بدانید؟ چنین نگرشی اشتباه است و نسبت به خدا مرتکب اشتباه شده‌اید. اگر دلتان نسبت به او تلخ شده است و از او رنجیده‌اید، رفتار شما با او ناعادلانه است. ولی با تمام این صحبت‌ها چه کسی در این میان رنج می‌برد؟ آیا این شما نیستید؟ البته این امر حیاتی است که هر لحظه بتوانیم بدون ترس و با آزادی، کاملاً صادقانه به حضور خدا برویم. نمی‌گوییم که باید سعی کنیم احساسات واقعی خود نسبت به خدا را پنهان کنیم و وانمود کنیم که همه چیز خوب است، اگر واقعاً اینطور نیست. خدا به خوبی می‌بیند و می‌داند که هر لحظه چه فکر می‌کنیم یا چه احساسی داریم. بسیار سالم و پسندیده است که احساسات خودتان نسبت به خداوند را تخلیه کنید. به خاطر خرابی اورشلیم، معبد و رنج شدید قوم خدا، درون ارمیا کاملاً آشفته و پریشان بود. و او با کلامی صریح احساسات خود را به خدا گفت (مراثی ۳: ۱-۱۸ را بخوانید). ولی لازم بود که او بر خشم خود فائق آید و با ایمان به خدا روی آورد و چنین نیز کرد (مراثی ۳: ۱۹-۲۶ را بخوانید). ما نیز همینطور. در واقع، تا زمانی که به مرحله‌ای نرسیم که بتوانیم ایمان داشته باشیم، در درون خود آزادی واقعی را تجربه نخواهیم کرد. *خداوند در تمام کارهایش عادل و مهربان است. (مزمور ۱۴۵: ۱۷)*

آیا می‌توانید به این مرحله از ایمان بر گردید که با فروتنی اعلام کنید که کتاب مقدس صحیح است؟ اگر چنین است، می‌توانید هم اینک خدا را برای این حقیقت شکر کنید؟

خداوند نزدیک کسانی است که با صداقت و راستی طالب او هستند. (مزمور ۱۴۵: ۱۸)

آیا شما در چنین شرایطی به سر می‌برید؟ آیا مناسب نیست که در راستی او را بخوانید؟ او منتظر است تا به شما نزدیک شود. و او خدایی بخشنده، مهربان و رحیم است. دعای زیر تنها یک آغاز است. اگر در خشم با خدا در کشمکش بودید، اندک‌زمانی طول خواهد کشید تا بر عدم اطمینان غلبه کنید و به ایمان واقعی برسید. عجله نکنید. این دعا می‌تواند آغازی باشد برای یک رویارویی شخصی واقعی و صادقانه با خدا به منظور در میان گذاشتن همه این امور. دعا می‌کنم که در پایان شما بتوانید به این مرحله از ایمان برسید.

دعا

ای پدر آسمانی عزیز، در حالی که در مشکلات و درد و رنج بسر می‌برم و از درون این شرایط به تو نگاه می‌کنم، به آسانی ممکن است تو را خدایی تصور کنم که با تو خدای واقعی بسیار متفاوت است. عذر می‌خواهم که بر طبق راهها و افکار خودم در مورد تو قضاوت کرده‌ام و به علت غرور فکر کرده‌ام که حق با من است. خود را در حضور تو فروتن می‌سازم و اعتراف می‌کنم که همان اندازه که آسمان بلندتر از این زمینی است که من بر روی آن ایستاده‌ام، راههای تو از راههای من فراتر و عالی‌تر است. اعتراف می‌کنم که خشم و رنجش من نسبت به تو ناعادلانه بوده است (می‌توانید علل خشم و رنجش خود را نام ببرید). اکنون تصمیم گرفته‌ام از تو تشکر کنم، چون وضعیت من هر چه باشد و علیرغم وجود مشکلات فراوان در زندگی‌ام، تو می‌توانی همه این چیزهای بد را برای خیریت من به‌کار ببری و مرا بیشتر شبیه عیسی گردانی. ای کاش راه آسانتری برای به انجام رسانیدن این امر موجود بود، ولی می‌خواهم در حالی که درس تحمل را در زندگی‌ام یاد می‌گیرم، مرا در مسیح بالغ و کامل گردانی. حال تصمیم می‌گیرم به تو اعتماد کنم. و روزی خواهم توانست به همراه تمامی مقدسینی که به همین طور رنج و درد را تحمل کردند در جشن تو حاضر باشم. و در آن روز قادر خواهم بود به همراه تمامی مقدسینی که مانند من درد و رنج را تجربه کردند شهادت دهم که چگونه پس از اندکی درد و رنج، تو خدای فیض، که در جلال ابدی خود در عیسی مسیح ما را خوانده‌ای، مرا کامل، تایید و تقویت کردی و استوار گردانیدی. سلطنت تا به ابد از آن تو است. آمین.

رهبر خدمتگزار

کشیش تَت استیوآرت

بخش دهم: جنبه تاریک رهبری

تصور می‌کنم که اکثر ما که دعوت خدا را برای خدمت مسیح احساس کردیم، به پادشاهای خاص موعظه کلام خدا و دریافت برکات مشاهده رشد دیگران در فیض فکر می‌کردیم. آنچه که به احتمال زیاد نمی‌دانستیم، این بود که دعوت برای خدمت به مسیح جنبه بسیار تاریکی نیز دارد. پطرس رسول جنبه‌ای از خدمت مسیح را مورد بحث قرار می‌دهد که بر تمام عهدجدید حاکم است، اما به‌ندرت با کسانی که آماده خدمت می‌شوند در میان گذاشته می‌شود. می‌فرماید: «اما اگر به‌سبب کار خلاف تنبیه شوید و تحمل کنید، چه جای فخر است؟ حال آنکه اگر نیکویی کنید و در عوض رنج ببینید و تحمل کنید، نزد خدا پسندیده است. چه، برای همین فرا خوانده شده‌اید، زیرا مسیح برای شما رنج کشید و سرمشقی گذاشت تا بر آثار قدم‌های وی پا نهد.» (اول پطرس ۲: ۲۰-۲۱، هزاره نو). پطرس مسأله سختی را مطرح می‌سازد که همه رهبران مسیحی در مقطعی از زمان با آن دست به‌گریبان بوده‌اند. قابل درک است که اگر کار خلافی انجام دهیم با عواقب دشواری مواجه شویم، اما آنچه برایمان قابل درک نیست این است که چرا وقتی مسیح را دوست می‌داریم و در راه خدمت به او ایثار می‌کنیم و به دیگران محبت نشان می‌دهیم، باید مورد بدرفتاری سایر مسیحیان قرار بگیریم؟ این یک نکته الهیاتی پیش پا افتاده نیست، زیرا این درست همان چیزی است که تعیین می‌کند که آیا شبان از کوره آزمایش سربلند بیرون می‌آید و می‌تواند به‌طور مؤثر خدمت کند یا نه. این احساس که مورد بدرفتاری همان کسانی قرار می‌گیریم که می‌کوشیم به ایشان خدمت کنیم، می‌تواند حس نفرت و تلخی عمیقی بر جای بگذارد. امید من این است که با مطرح کردن بحثی در باره بعضی از کشمکشهایی که رهبران با آن مواجه می‌شوند، آرمان‌گرایی‌های کاذبی را که ما را وادار می‌سازند ادعا کنیم که خدمت به مسیح تماماً پیروزی و شادی است کنار بگذاریم و به یکدیگر اجازه دهیم که تجربه خود را از جنبه تاریک خدمت به مسیح با یکدیگر تقسیم کنیم. رهبران زخمی بسیاری هستند که آرزو دارند با سایر خادمینی که در دردشان شریک‌اند مشارکت داشته باشند، خادمینی که توانسته‌اند با وجود این زخمها، به خدمت شادمانه خود ادامه دهند.

پولس رسول از بیان کشمکشهایش در خدمت طفره نمی‌رود. او در واقع اظهار می‌دارد که این کشمکشها برای آن طرح‌ریزی شده‌اند تا عظمت قدرت خدا را در او نشان دهند: «این گنجینه را در ظرفی خاکی داریم تا آشکار باشد که این قدرت خارق‌العاده از خداست، نه از ما.» (دوم قرنتیان ۴: ۷، هزاره نو). عمیق‌ترین تأثیری که می‌توانیم بر دیگران بگذاریم می‌تواند این باشد که در دشوارترین لحظات زندگی خود، چگونه بر

خدا توکل می‌کنیم. در آیاتی که به‌دنبال آیه فوق می‌آید، پولس رسول چهار کشمکش رایج را مشخص می‌سازد که همه خادمین ناگزیر با آنها روبرو می‌شوند.

خصومت‌ها

هر خادمی باید بداند که در خدمتش به مسیح، با خصومت مواجه خواهد شد. پولس رسول می‌فرماید: «ما از هر سو در فشاریم، اما خرد نشده‌ایم.» (آیه ۸). منظور این است که با خصومت‌هایی رو در رو خواهیم شد که هدفشان خرد کردن ما است. هر مسیحی باید بداند که هر چه استوارتر در راه مسیح بایستد، مخالفت‌ها سخت‌تر خواهند بود. آن متهم‌کننده مقدسین، یعنی شیطان (مکاشفه ۱۲: ۱۰) از هر وسیله‌ای استفاده خواهد کرد تا ما را دچار رنج سازد، ما که با سلطه او بر دلها و ذهن‌های گمشدگان مبارزه می‌کنیم. او افراد سرسختی را بر سر راه ما قرار می‌دهد که احساس می‌کنیم دعوتشان تنها آزار دادن ما و انتقاد کردن از ما است. ما افراد را محبت و خدمت می‌کنیم، اما ایشان به ما خیانت می‌کنند. این امر در طول زمان، شکیبایی ما را فرسوده می‌سازد و دلمان را به تلخی می‌کشاند. شیطان خانواده ما را دچار مشکلات می‌سازد تا دل ما را نسبت به خدا سخت کند. گاه شرایط را چنان غیر قابل تحمل می‌سازد که وسوسه می‌شویم از خدمت دست بکشیم.

اگر با دقت بیشتری به زندگینامه مردان و زنان بزرگ خدا نگاه کنید، پی خواهید برد که همواره رنجی بر زندگی‌شان حاکم بوده است. ایشان در باره انجیل سعادت زمینی موعظه نمی‌کردند، بلکه بر حضور و قدرت خدا در وادی اشکها و دردها شهادت می‌دادند. ایشان در اثر خصومت‌ها خرد نشدند، بلکه با قدرت کسی که در راه آنان خرد شد بر خصومت‌ها چیره شدند.

اغتشاش فکری

هر خادمی با اغتشاش فکری مواجه خواهد شد. پولس رسول می‌فرماید: «متحیریم، اما نومید نیستیم.» (آیه ۸). منظور از «متحیر» این است که احساس می‌کنیم «چاره‌ای نداریم»، نمی‌دانیم چه بکنیم. آیا تا به حال شده که از خود بپرسید: «اصلاً نمی‌دانم چه باید بکنم!»؟ در خدمت خود با رنج دیگران مواجه می‌شویم. به مادری که طفل مرده خود را در آغوش کشیده چه دارید که بگویید؟ چه تسلائی دارید برای مردی که زنش رهایش کرده است؟ در مورد سؤالات خودتان چه؟ چرا در خدمت موفق نمی‌شوم؟ چرا کسانی که به ایشان خدمت می‌کنم، در آخر به من خیانت می‌کنند؟ چرا خانواده‌ام با خدمت مخالفت می‌ورزند؟ اینها سؤالاتی است که بارها شنیده‌ایم و می‌تواند برای کسانی که دعوت خدا را برای خدمت شنیده‌اند حیران‌کننده باشند. پولس نمی‌فرماید که همیشه پاسخی خواهیم یافت، بلکه آنچه می‌گوید این است که نباید نومید شویم. وقتی شبان جوانی بودم، از خادمی باتجربه پرسیدم که وقتی حیران و مغشوش است چه می‌کند. در پاسخ گفت: «وقتی دچار اغتشاش

فکری می‌شوی، این سه کار را انجام بده: هر روز خداوند را ستایش کن. در هر چیز از او اطاعت کن. و منتظر بمان.» وقتی منتظر خداوند می‌مانیم، او دری خواهد گشود.

آزارها

هر خادمی باید آماده باشد در راه مسیح آزار ببیند. رسول مسیح می‌فرماید: «آزار می‌بینیم، اما وانهاده نشده‌ایم.» (آیه ۹). منظور این است که به‌خاطر انجیل مورد حمله و اهانت قرار خواهیم گرفت. عیسی این نکته را در فصل پنجم انجیل متی پیشگویی فرمود و پولس نیز همین حقیقت را به تیموتائوس یادآوری کرد: «بهراستی، همه کسانی که بخواهند در مسیح عیسی با دینداری زیست کنند، آزار خواهند دید.» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۲). برای آن مسیحیانی که ممکن است اعتراض کنند و بگویند که هیچ‌گاه آزار ندیده‌اند، تنها پاسخ این است که بیرسم چه کاری برای ملکوت خدا انجام می‌دهند. پولس نمی‌فرماید که ما از آزارها رهایی خواهیم یافت، بلکه می‌گوید که در کشاکش آن رها نخواهیم شد. به شهادت کسانی گوش دهید که در راه نام مسیح رنج دیده‌اند؛ ایشان خواهند گفت که مسیح با وفاداری در کنار ایشان ایستاده و کمک کرده تا پیروز شوند.

طردشدگی

هر خادمی باید آماده باشد که طرد شود. می‌فرماید: «بر زمین افکنده شده‌ایم، اما از پا در نیامده‌ایم.» (آیه ۹). منظور این است که مورد بی‌احترامی قرار بگیریم و کسی ارزش ما را درک نکند. بی‌ایمانان و آنانی که پیام ما را قبول ندارند، ما را طرد خواهند کرد. همچنین سایر رهبران مسیحی که ما را قبول ندارند و ممکن است با تعالیم یا روشهای ما موافق نباشند نیز ما را طرد و رد خواهند کرد. اما پولس می‌فرماید که اگر مجهز به دو حقیقت باشیم، این امور ما را از پا در نخواهند آورد.

حقیقت نخست

چیزی نیست که برای ما اتفاق بیفتد و خارج از اجازه پدر آسمانی‌مان باشد. ممکن است همیشه ندانیم چرا بعضی اتفاقات برای ما می‌افتد، اما می‌دانیم که هیچ چیز تصادفی نیست و اینکه خدا ما را حفظ می‌کند. اشعیا می‌فرماید: «البته تو را معاونت خواهم داد و تو را به دست راست عدالت خود دستگیری خواهم کرد.» (اشعیا ۴۱: ۱۰).

حقیقت دوم

هر چیزی که متحمل می‌شویم برای آن طرح‌ریزی شده تا ما را برای خدمت مؤثرتر به دیگران آماده سازد. او ما را هرس می‌کند تا بیشتر میوه بیاوریم (یوحنا ۱۵: ۲).

خدمت به مسیح در این دنیا جنبه تاریکی دارد، اما در همین تاریکی است که نور او در ما و از طریق ما درخشانتر خواهد تابید.